

Social Welfare in the Context of Law: An Analysis through the Lens of General Policies of Resistance Economy

Mohammad Javad Heidarian Dolatabadi*

Ehsan Ali Akbari Babookani**

Abstract

One of the most critical objectives of the resistance economy is the realization of public welfare. Achieving this concept necessitates complex legal and policy measures under current national conditions, particularly addressing the shortcomings of the country's legislative system. Social welfare serves as a key indicator of economic growth, and its attainment requires robust national determination alongside the establishment of appropriate legal frameworks to eliminate obstacles in this path.

In Iran, numerous policies, laws, and regulations have been enacted to fulfill the constitutional economic objective of achieving social welfare. Beyond the constitutional principles and ordinary legislation, the naming of annual themes and the majority of general policies issued in recent years by the Iran's Supreme Leader have emphasized domestic production and economic independence. Among these, the *General Policies of Resistance Economy* stand out as particularly significant. Consequently, social welfare constitutes a fundamental and emphasized dimension of resistance economy.

This study employed an analytical-descriptive methodology to examine the extent to which social welfare has been legally manifested within the framework of resistance economy. By defining resistance economy and analyzing welfare-related laws, the research concludes that numerous legal provisions—both directly and indirectly—exhibit conceptual linkages with social welfare.

Keywords: Resistance Economy, Social Welfare, Law, Islamic Consultative Assembly (Majlis), Oversight.

* Department of International Law, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran
(Corresponding Author).

Email: mj.heidarian@khu.ac.ir.

** Department of Quranic Studies, Faculty of Ahlulbayt, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Email: e.aliakbari@ahl.ui.ac.ir.

رفاه اجتماعی در بستر قوانین در پرتوی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

محمدجواد حیدریان دولت‌آبادی*

احسان علی اکبری بابوکانی**

چکیده

یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصاد مقاومتی، تحقق رفاه عمومی است. تحقق این مفهوم، الزامات و برنامه‌های مقتضی پیچیده‌ای را در شرایط فعلی کشور طلب می‌کند که از جمله توجه به نظام تقنینی نامطلوب کشور است. رفاه اجتماعی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رشد اقتصادی هر کشور است و حرکت در مسیر نیل به رفاه اجتماعی نیازمند وجود یک عزم راسخ ملی و ایجاد تمهیدات حقوقی و قانونی لازم برای هموار کردن راه و رفع موانع این مسیر است. در کشور ما به دنبال همان هدف مطرح در قانون اساسی در بخش اقتصاد یعنی رسیدن به رفاه اجتماعی، سیاست‌گذاری‌ها و قوانین و مقررات متعددی وضع شده است. در کشور ما افزون بر اصول متعدد قانون اساسی و قوانین عادی، نام‌گذاری سال‌ها و اکثر سیاست‌های کلی که در سال‌های اخیر توسط مقام معظم رهبری تعیین و ابلاغ شده‌اند، همه در راستای تولید داخلی و تأمین استقلال اقتصادی کشور بوده‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی اشاره کرد؛ از این رو، موضوع رفاه اجتماعی یکی از اهداف و ابعاد اساسی و مورد تأکید اقتصاد مقاومتی می‌باشد. در این پژوهش، با روشی تحلیلی و توصیفی به بررسی موضوع پرداخته و این سؤال اساسی را مطرح کرده که در ساحت اقتصاد مقاومتی، مسئله رفاه اجتماعی تا چه اندازه ظهور و بروز قانونی یافته است؟ مقاله، ضمن تعریف اقتصاد مقاومتی، قوانین مرتبط با رفاه اجتماعی را تحلیل و بررسی کرده و در نهایت به این نتیجه دست یافته که بسیاری از قوانین به صورت مستقیم و غیرمستقیم با رفاه اجتماعی ارتباط مفهومی دارند.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، رفاه اجتماعی، قانون، مجلس شورای اسلامی، نظارت.

* گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: mj.heydarian@khu.ac.ir

** گروه معارف قرآن، دانشکده اهل بیت (ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. Email: e.aliakbari@ahl.ui.ac.ir

۱. مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به رفاه اجتماعی شهروندان و ابعاد گوناگون آن را در اصول متعددی توجه کرده است. بند ۱۲ اصل ۳ یکی از وظایف اقتصادی دولت را پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه با هدف ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه می‌داند. افزون‌براین، اصل ۴۳ نیز هدف از ضوابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او برمی‌شمرد.

در اندیشه اسلامی نیز تحقق رفاه اجتماعی از طریق رشد و پویا نمودن اقتصادی از اهداف مهم دولت اسلامی برشمرده شده است. از این موضوع در ادبیات دینی با معیارهایی چون «رفع فقر» و «تأمین اجتماعی» یاد می‌شود که یکی از وظایف مهم حکومت چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی دانسته شده است. از مجموع آیات و روایات مرتبط به‌وضوح برداشت می‌شود دستیابی انسان به کمال خود و تحقق اهداف آفرینش نیازمند توجه به هر دو بعد مادی و معنوی است؛ هرچند که کمال بعد مادی انسان باید در خدمت کمال بعد روحی و معنوی او قرار گیرد.

رشد تولید ملی یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها جهت نیل به رفاه اجتماعی است و حرکت در مسیر استفاده مطلوب از تولید ملی و حمایت از سرمایه داخلی جهت دستیابی به رفاه اجتماعی نیازمند وجود تمهیدات حقوقی و قانونی برای هموار کردن راه و رفع موانع این مسیر است. ساختارهای قانونی کشور باید تمهیدات لازم در مسیر رفاه اجتماعی و رفع موانع دست و پاگیر را پیش‌بینی کرده باشند تا زمینه‌سازی برای رفاه اجتماعی امکان‌پذیر شود. حال سؤال اینجاست که آیا زیرساخت‌های قانونی موجود در کشور ما برای تحقق رفاه اجتماعی کافی است یا برای تحقق رفاه اجتماعی نیازمند تدوین قوانین جدید هستیم.

ظرفیت‌های اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های قانونی در جهت تحقق رفاه اجتماعی به شمار می‌رود. اصل ۴۳ قانون اساسی «برای تأمین استقلال اقتصادی» کشور ضوابطی از جمله تأکید بر «جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر کشور» در بند ۸ و تأکید بر «افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی برای تأمین نیازهای عمومی و خودکفایی و رهایی از وابستگی» در بند ۹ را پیش‌بینی می‌کند. همچنین اصل ۴۴ قانون اساسی از اصول مترقی اقتصادی است که نظام اقتصادی کشور را به ۳ بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم می‌کند. سیاست‌گذاری و تدوین قوانین و مقررات بر پایه این اصل از الزامات اصلی شکل‌گیری نظام پویای اقتصادی و حمایت از رفاه اجتماعی بوده است که با ابلاغ سیاست‌های

کلی این اصل از سوی مقام معظم رهبری گامی مؤثر در این زمینه برداشته شده است. حمایت از تشکیل و توسعه تعاونی‌ها، توانمندسازی بخش خصوصی و حمایت از آن جهت رقابت در بازارهای جهانی، بخشی از سیاست‌های کلی اصل ۴۴ است که زمینه حمایت از تولید و کار و سرمایه ایرانی را فراهم کرده است که به صورت جدی باعث تحقق رفاه اجتماعی می‌شود.

ازسوی دیگر، با تصویب «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» بسترسازی حقوقی گسترده‌ای برای فعالیت‌های اقتصادی با نگاه به تولید و سرمایه داخلی صورت گرفته است. شکل‌گیری نهادهایی مانند شورا و مرکز ملی رقابت، شورای عالی اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ و ستادهای سرمایه‌گذاری استانی باعث رفع موانع گسترده در فضای کسب‌وکار، رقابت و سرمایه‌گذاری در کشور شده و تصویب مقرراتی که موجب ورود بخش خصوصی در بخش‌هایی که پیش‌ازاین دولت متولی آن بود، بستر حقوقی مناسبی برای رشد رفاه اجتماعی را فراهم آورده است.

همچنین، با ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، یک برنامه جدید در کشور برای طراحی این نظام اقتصادی و اجرای آن آغاز شد. تحقق رفاه اجتماعی یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصاد مقاومتی است که افزون‌بر تأکیدات قانون اساسی بر آن، ریشه در آموزه‌های شریعت اسلام نیز دارد. در کشور ما افزون‌بر اصول متعدد قانون اساسی و قوانین عادی، نام‌گذاری سال‌ها و اکثر سیاست‌های کلی که در سال‌های اخیر توسط مقام معظم رهبری تعیین و ابلاغ شده‌اند همه در راستای تولید و تأمین استقلال اقتصادی و رفاه اجتماعی کشور بوده‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی اشاره کرد. بنابراین، همه اهدافی که برای اقتصاد مقاومتی ذکر شده است در راستای تحقق رفاه اجتماعی قرار می‌گیرند که حاصل اهمیت به رونق تولید می‌باشد.

۲. تعریف، اصول و اهداف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

در این قسمت اقتصاد مقاومتی بررسی و پس از تعریف، اصول و اهداف آن تبیین می‌شود.

۲-۱. تعریف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

۲-۱-۱. تعریف سیاست‌های کلی

سیاست یا سیاست‌گذاری از امور مدیریت سیاسی برشمرده شده است که متکی بر اصول برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، نظارت و کنترل می‌باشد؛ ازاین‌رو، سیاست‌های کلی یا خط‌مشی‌های عمومی (مولر، ۱۳۸۷، ص ۱۱) اصولی هستند که به وسیله مقامات صالح به‌عنوان الگو و راهنمایی برای راهبری اقدامات و فعالیت‌ها وضع شده‌اند (الوانی، ۱۳۸۰، ص ۲۰). حقوق‌دانان،

سیاست‌گذاری را تعیین، تدوین و ارائه ضوابطی می‌دانند که در آن مقتضیات دولت اعمال می‌شود، مصالح جمعی از طریق آن تأمین می‌شود و هدف از آن نیز در درجه اول تثبیت حاکمیت، استقرار نظم و حفظ حدود و ثغور استقلال کشور می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۰، ص ۶۸). بدیهی است سیاست‌گذاری‌ها در چهارچوب قانون اساسی و به منظور اهداف طراحی شده در آن تصویب و ابلاغ می‌شود (غلامی و بهادری جهرمی، ۱۳۹۲، ص ۵۵). بر مبنای تعاریف صورت‌گرفته می‌توان گفت: سیاست‌های کلی نظام، مجموعه‌ای از جهت‌گیری‌ها و راهبردهای کلان برای تحقق اهداف قانون اساسی در دوره زمانی مشخص می‌باشد (انصاری، ۱۳۸۵، ص ۱۸). این خط‌مشی‌های کلی خارج از حیطه تقنینی بوده، بر مبنای مصالح وضع می‌شود و تقریباً معادل مبنای قانون و روح کلی حاکم بر قانون می‌باشد (ارسطا، ۱۳۸۰، ص ۳۷۷).

با توجه به مباحث یادشده، هر مفهوم در ساختار کلی نظام حقوقی باید دارای جایگاه روشن و متناسبی باشد و رابطه آن با هنجارهای فرازین و فرودین به وضوح تبیین شود (زارعی، ۱۳۸۳، ص ۳۲۷). در خصوص ماهیت سیاست‌های کلی نظام از دیدگاه حقوقی، نظرات متفاوتی از جانب صاحب‌نظران عرصه حقوق عمومی بیان شده است. برخی سیاست‌های کلی نظام را دارای ماهیت قانونی می‌دانند و بر این باورند که سیاست‌های کلی یا قانون است یا مافوق قانون (موسی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۴۴)؛ این در حالی است که این نظریه از حیث حقوقی با ایرادهای جدی مواجه می‌باشد. از مهم‌ترین ایرادهای این نظریه می‌توان عدم تطابق با اصل مقبولیت قانون به علت انتزاعی بودن مفاد آن، عدم انطباق صوری و ماهوی با سایر هنجارهای حقوقی (مدنی، ۱۳۸۹، ص ۴۹ و مهرپور، ۱۳۷۶، ص ۶۷)، عدم طی تشریفات خاص قانونی که قانون‌گذار عادی وجود آن را الزام نموده و عدم ضمانت اجرای حقوقی به‌عنوان یکی از ذاتیات گزاره‌های قانونی (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۱۳۱) را نام برد.

همان‌گونه که بیان شد، سیاست‌های کلی، نظام قانون یا در حکم قانون محسوب نمی‌شوند؛ بلکه تدابیر کلی در جهت وضع و اجرای قوانین می‌باشند. براساس این، می‌توان گفت: از حیث ماهیتی، سیاست‌های کلی نظام ماهیتی متفاوت از قوانین دارد (موسی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۴۶). از لحاظ شرعی نیز، روح بند ۱۱۰ قانون اساسی بیانگر همان احکامی است که بر مبنای مصالح و توسط فقیه واجد شرایط وضع خواهد شد (عمیدزنجانی، ۱۳۸۵، ص ۶۴۰).

۲-۱-۲. تعریف اقتصاد مقاومتی

هر اقتصادی با هر پایه ایدئولوژیک و در هر چهارچوب فکری، فلسفی و اجتماعی اهدافی داشته و

البته در مسیر تحقق اهدافش دشواری‌ها، تهدیدها و موانعی دارد. طبیعی است که سردمداران هر جامعه‌ای تلاش می‌کنند نظام اقتصادی خود را به‌نحوی سامان دهند که باوجود همه این دشواری‌ها، اهداف اقتصاد محقق شود و این یعنی ایجاد اقتصاد مقاومتی (مؤمنی، ۱۳۹۶، ص ۲۱). اقتصاد مقاومتی یعنی برخورداری از مزایای اقتصادی، با ادامه مقاومت و مبارزه در مقابل دشمنان متجاوز و مستکبر (اختری، ۱۳۹۵، ص ۲۱).

در تعریف دیگر، اقتصاد مقاومتی به معنای تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثرکردن آن تأثیرها می‌باشد و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است (پروین، ۱۳۹۶، ص ۴۲). اما مفهوم اقتصاد مقاومتی در ادبیات علمی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان الگوی بومی و علمی که برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی و متناسب با وضعیت خاص جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، نخستین بار در سال ۱۳۸۶ به‌وسیله مقام معظم رهبری استفاده شد که البته مفهوم و ماهیتی خاص و ویژه دارد.

بنابراین با مطالعه مجموعه بیانات مقام معظم رهبری درخصوص اقتصاد مقاومتی می‌توان گفت: اقتصاد مقاومتی آن الگوی بومی اقتصادی است که مبتنی بر اصول و مبانی قانون اساسی و ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی طراحی شده و هدف از آن ایجاد ثبات و پایداری به‌ویژه در مقابل بحران‌ها و تحریم‌های خارجی به‌منظور ایجاد رشد، شکوفایی و پیشرفت است (بهادری جهرمی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۳).

۲-۲. اهداف و اصول حقوقی اقتصاد مقاومتی

کشور ما به‌دلیل بحران‌ها و تحریم‌های خارجی و نابسامانی‌های داخلی تقریباً در یک دهه اخیر با رکود اقتصادی چشمگیری مواجه است. در همین راستا، مقام معظم رهبری با درک درست این موضوع، طبق عرف حسنه ایجاد شده، محور نام‌گذاری سال‌های اخیر را حمایت از تولید و کار و سرمایه ایرانی و اصلاح الگوی مصرف و مباحثی قرار دادند که باعث تحقق مهم‌ترین هدف قانون اساسی در بخش اقتصاد یعنی خودکفایی و استقلال اقتصادی شود. در ادامه این فرایند مقام معظم رهبری با استفاده از اختیار خویش بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی در سال ۱۳۹۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را تعیین و ابلاغ کردند.

در مورد جایگاه این سیاست‌ها و به‌طورکلی جایگاه سیاست‌های کلی نظام ابلاغی از طرف مقام معظم رهبری در مقایسه با سایر هنجارهای حقوقی نظرات متفاوتی وجود دارد؛ ولی در مجموع به نظر می‌رسد که جایگاه این سیاست‌ها پایین‌تر از قانون اساسی و بالاتر از سایر قوانین

و مقررات باشد (زارعی، ۱۳۸۳، ص ۴۸). بنابراین، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی هم یک مجموعه‌ای از تدابیر و خط‌مشی‌های اقتصادی است که در راستای اصول و اهداف قانون اساسی بوده و باید چراغ راه و مبنای همه اعمال و تصمیمات ارکان کشور قرار گیرد.

اهداف مبنایی نظام اقتصاد مقاومتی، در واقع، همان مکتب اقتصادی اسلام است و اهداف تفصیلی آن، اهداف اقتصادی انقلاب اسلامی است. برای انقلاب اسلامی سه هدف اصلی اقتصادی مطرح می‌شود:

۱. استقلال اقتصادی؛

۲. رفاه عمومی؛

۳. پیشرفت (عبدالملکی، ۱۳۹۳، ص ۲۷).

از نظر مقام رهبری، مهم‌ترین محورهای اقتصاد مقاومتی عبارت‌اند از: مردمی بودن اقتصاد، دانش‌بنیانی و نوآوری، عدالت اجتماعی، مبارزه با فساد، شفاف‌سازی، خودکفایی و تولید ملی، افزایش بهره‌وری، اصلاح الگوی مصرف، مدیریت جهادی و کاهش وابستگی به نفت (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۷۳).

همچنین، در راستای اجرایی نمودن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، باید اصول و شاخص‌های حقوقی مبتنی بر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی طراحی نمود تا ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه قوای سه‌گانه، با بهره‌گیری از آنها در عرصه اجرایی نمودن محتوای سیاست‌ها اقدام نمایند. اصول به آن کلیات مندرج در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی اشاره می‌نماید که ریشه‌هایی از آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ملاحظه می‌شود. شاخص‌ها نیز به معیارهایی اطلاق می‌شود که ذیل اصول قرار می‌گیرند و مرتبط با آنها بوده و بیانگر مفاهیم حقوقی هستند که نهادهای قانونی در راستای عملیاتی نمودن سیاست‌ها، موظف به مطابقت دادن میان اعمال خود با هریک از این شاخص‌ها می‌باشند.

به‌دیگرسخن، اصول و شاخص‌های حقوقی، قطب‌نماهایی هستند که اجرایی نمودن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را در عرصه حقوق عمومی هموار می‌نمایند (بهادری و فتاحی، ۱۳۹۵، ص ۲۲). مهم‌ترین اصول حقوقی اقتصاد مقاومتی عبارت‌اند از:

۱. حمایت از تولید ملی، خودکفایی و استقلال اقتصادی؛

۲. اصل عدالت اجتماعی و اقتصادی و فسادستیزی؛

۳. اصل ایجاد رفاه اجتماعی و تحرک و پویایی در اقتصاد؛

۴. اصل مردم‌محوری و تقویت بخش خصوصی و اشتغال‌زایی.

۳. بررسی رفاه اجتماعی در پرتوی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

مقصود از رفاه در کتب فقهی شیعه، وسعت رزق و روزی در زندگی است (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ص ۲). اندیشمندان حوزه اجتماعی و اقتصادی بر این باورند که رفاه اجتماعی تعبیری معطوف به وضعیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه است که حفظ کرامت انسان، افزایش مسئولیت‌پذیری افراد جامعه در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی‌های افراد از اهداف آن است. این مفهوم در طول سالیان متعدد در مجامع علمی دچار دگرگونی‌های فراوانی شده است (زاهدی اصل، ۱۳۷۳، ص ۱۰۰).

با وجود این، در حال حاضر، مقصود از رفاه اجتماعی عبارت است از «مجموعه سازمان‌یافته‌ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می‌شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد» (زاهدی اصل، ۱۳۸۱، ص ۶). براساس این تعریف، لزوم رفاه اجتماعی در نظامی مبتنی بر آموزه‌های شریعت اسلام، حکومت را موظف به دنبال کردن سیاست‌ها و راهبردهایی جهت تأمین مادی و معنوی انسان‌ها و ایجاد زمینه‌های سعادت دنیوی و اخروی می‌کند.

معیار توسعه‌یافتگی هر کشوری به میزان بهره‌گیری مطلوب و بهینه از منابع و امکانات موجود در جهت نیل به اهداف اقتصادی آن تعریف می‌شود. هدف اصلی بهره‌وری عبارت است از به حداکثر رسانیدن استفاده از منابع، نیروی انسانی، سرمایه، مواد خام تولیدی، زمان و... به شیوه‌ای علمی و با کاهش هزینه‌های تولید، به منظور گسترش بازار، افزایش اشتغال، کوشش برای افزایش دستمزدهای واقعی و بهبود معیارهای زندگی، به شکلی که به نفع کارکنان، مدیران و مصرف‌کنندگان باشد (عامری، ۱۳۸۹، ص ۹۸).

به‌دیگرسخن، بهره‌وری روشی هوشمندانه است که انسان از فعالیت‌های خود بهترین نتیجه را به دست آورد. رشد بهره‌وری اقتصادی یکی از اهداف مهم اقتصاد مقاومتی است که در بند ۳ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تأکید شده است. ازسوی دیگر، یکی از اهداف مهم حقوق عمومی اقتصادی، کارایی اقتصادی است که طبق تعریف با مفهوم بهره‌وری یکسان است. بنابراین، در این مورد حقوق عمومی اقتصادی و اقتصاد مقاومتی هدف مشترکی را دنبال می‌کنند که این نشان‌دهنده اهمیت و نقش اقتصاد مقاومتی در حقوق عمومی اقتصادی است. حال برای رشد کارایی و بهره‌وری، که مقصود مهم و یکی از الزامات حقوق عمومی اقتصادی است، باید سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در کشور ما اجرا شوند که درنهایت افزون‌بر اینکه به افزایش رشد بهره‌وری اقتصادی منجر شوند، با سایر اهداف حقوق عمومی اقتصادی نیز، هم‌راستا باشند.

یکی از راه‌های افزایش بهره‌وری به‌ویژه در بخش تولید، استفاده از همه ظرفیت‌های موجود است. از سوی دیگر، نرخ بیکاری در کشور هم بالاست. در اینجا وظیفه مهم دولت این است تا با فراهم کردن شرایط برای ورود افراد به بازار، ضمن محدود کردن نقش انحصاری خود، زمینه را برای آزادی کسب‌وکار فراهم آورد. در مجموع، می‌توان گفت: با توجه به اینکه افزایش کارایی و رشد بهره‌وری اقتصادی هدف مشترک اقتصاد مقاومتی و حقوق عمومی اقتصادی است، بنابراین احترام به این اصل برای همه می‌تواند به پویایی و تحرک بازار و در نتیجه رشد کارایی بهره‌وری اقتصادی به‌عنوان یکی از اهداف اساسی این اصل منجر شود.

اقتصاد مقاومتی یک گفتمان و الگوی اقتصادی است که ضمن مقاوم‌سازی و تقویت اقتصاد ملی در برابر تهدیدها، توان تحریم‌شکنی با رویکرد عقب‌راندن نظام سلطه را داشته باشد (قوامی، ۱۳۹۱، ص ۱۵). از نظر ماهیت نظری، اقتصاد مقاومتی نظامی اقتصادی است که در پی تحقق اهداف مکتب اقتصادی اسلام و در طول آن اهداف اقتصادی انقلاب اسلامی شکل می‌گیرد. این اهداف در بالاترین سطح عبارت‌اند از:

الف) رفاه عمومی اقتصادی؛

ب) استقلال اقتصادی؛

ج) پیشرفت اقتصادی.

به عبارتی، اقتصاد مقاومتی تنهاترین و البته مؤثرترین راه برای بهبود وضعیت رفاهی مردم، پیشرفت اقتصادی کشور و البته به‌موازات این دو، استقلال اقتصادی و اقتدار کشور است. یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصاد مقاومتی، تحقق رفاه عمومی است که با توجه به مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی که دارد به این هدف دست پیدا می‌کند. با تقویت تولید ملی و ترویج فرهنگ جهاد اقتصادی انتظار می‌رود کاهش نرخ تورم به‌صورت پایدار از ماه‌های آغازین مشاهده شود و در میان‌مدت حتی کاهش سطح عمومی قیمت‌ها نیز دور از انتظار نخواهد بود. با افزایش تولید ملی و فراوانی کالا به‌طور طبیعی نرخ رشد قیمت‌ها کندتر یا متوقف خواهد شد. در نظام‌های فعلی اقتصادی، اهمیت بسیار زیادی به سرمایه داده می‌شود که مبنای تشکیل و توسعه بازارهاست (ژیل و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۲۴). همچنین، با کاهش وابستگی خارجی اثر تحولات بخش خارجی از جمله افزایش نرخ ارز و... بر سطح قیمت‌ها در داخل به‌طور جدی کاهش خواهد یافت. اصلاح الگوی مصرف به رفع پدیده‌هایی از جمله احتکار خانگی کالا و به تبع آن نرخ تورم کنترل منجر خواهد شد. روی دوم سکه تولید، اشتغال است. افزایش تولید به‌طور طبیعی به همراه خود افزایش اشتغال و کاهش بیکاری را به‌دنبال خواهد داشت.

ازسوی دیگر، با کاهش واردات و نیز تقویت فرهنگ اقتصادی در حوزه تولید کاهش نرخ بیکاری با سرعت بیشتری صورت خواهد گرفت. بدین ترتیب در نتیجه اجرای نظام اقتصاد مقاومتی به زودی افزون بر جذب عمده نیروی کار بیکار، نیاز کشور به نیروی کار بیشتر و در نتیجه جمعیت بیشتر نمایان خواهد شد. از طرفی اقتصاد مقاومتی عامل فراوانی است و فراوانی که در تعبیر اسلامی با اصطلاح «خصب» معرفی می‌شود، به معنای وجود کالاها به مقدار و تنوع مورد نیاز در جامعه است.

با تقویت تولید ملی و نیز ترویج فرهنگ جهاد اقتصادی افزون‌براینکه کمبودی در اقتصاد ملی به جهت تحریم‌ها یا علل دیگر وجود نخواهد داشت، روزبه‌روز شاهد فراوانی بیشتر کالا و نیز تنوع بیشتر کالاهای موجود خواهیم بود. در این نوع اقتصاد تلاش می‌شود همه ظرفیت‌های اقتصادی به بالاترین امکان بهره‌برداری از توان تولید برسند (تاری و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۲). افزون‌بر موارد یادشده، اقتصاد مقاومتی عامل توازن اجتماعی نیز می‌شود. اگرچه تأمین و توازن اجتماعی از ابتدایی‌ترین منویات و اهداف مکتب اقتصادی اسلام است، اما عموماً به دلیل ضعف تولید ملی و نیز ضعف بودجه دولتی به طور کامل (صد درصد) محقق نشده است. در جریان تحقق اقتصاد مقاومتی از یک سو تولید ملی تقویت می‌شود که به تبع آن سطح درآمد اقشار کم‌درآمد افزایش می‌یابد و عدم توازن ناشی از بیکاری بخشی از جامعه برطرف می‌شود و ازسوی دیگر، دولت با دراختیارداشتن منابع بیشتر خواهد توانست وضعیت زندگی مناسب در سطح کفاف و نه تنها در سطح معیشت را برای عموم فراهم نماید.

یکی دیگر از مهم‌ترین ثمرات اقتصاد مقاومتی که ارتباط مستقیم با رفاه دارد، کاهش خام‌فروشی خواهد بود. فروش مواد خام از جمله نفت خام، محصولات کشاورزی فرآوری نشده و مواد معدنی فرآوری نشده به طور عمومی به جهت نیاز کشور به ارز برای واردات و نیز نیاز دولت به ریال آن برای تأمین بودجه صورت می‌گیرد. با تقویت تولید ملی از یک سو، نیاز کشور به ارز کاهش می‌یابد و ازسوی دیگر، نیاز دولت به بودجه از محل صادرات مواد خام (نفت خام) کاهش می‌یابد و سرانجام در صورت باقی بودن نیاز به ارز، مبالغ یادشده از طریق صادرات محصولات با ارزش افزوده بالا و نه مواد خام تأمین می‌شود. از این رو، اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار و تلاش برای کنترل و بی‌اثرکردن آن و در شرایط آرمانی، تبدیل چنین فشارهایی به فرصت که نتیجه آن کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خودتکایی است (قاسمی، ۱۳۹۵، ص ۲۲).

همچنین، با تحرک و پویایی اقتصادی، نیاز کشور به کالاهای خارجی کاهش خواهد یافت و بدین ترتیب، بخش عمده‌ای از واردات به‌ویژه واردات محصولات کشاورزی و کالاهای ضروری قابل تولید در داخل کاهش خواهد یافت. همچنین، با اصلاح فرهنگ اقتصادی، واردات کالاهای لوکس و غیرضروری نیز کاهش خواهد یافت. از این جهت، وابستگی کشور به خارج کاهش

خواهد یافت. البته این به معنای قطع ارتباط با جهان نخواهد بود؛ بلکه در این نظام اقتصادی واردات به صورت برنامه‌ریزی شده و در ازای منافع قابل قبول ملی و در چهارچوب معیارهای خاص از جمله عدم سبقت واردات بر صادرات و نیز عدم صادرات مواد خام در ازای واردات کالاهای فرآوری شده صورت خواهد گرفت که این مفهوم ارتباطی هم با سرمایه‌های اجتماعی دارد. سرمایه اجتماعی در تعریف بانک جهانی (۱۳۳۳) عبارت است از: سازمان‌ها، ارتباط‌ها و هنجارهایی که کم و کیف کنش‌های اجتماعی جامعه را سامان می‌بخشند. این مفهوم موجب کاهش هزینه‌های اداره مملکت و هزینه‌های عملیاتی سازمان‌ها می‌شود (منظور و یادی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۴۷).

یکی از ویژگی‌های یک اقتصاد پیشرفته قدرت بالای آن در خلق ثروت است. با تقویت تولید ملی، کاهش خام‌فروشی، ایجاد ارزش افزوده بالاتر و تقویت فرهنگ تولید در کشور در نتیجه تحقق نظام اقتصاد مقاومتی قدرت خلق ثروت ملی به میزان بالایی افزایش خواهد یافت. پس از رفع نیازهای اصلی کشور، تقویت تولید ملی زمینه را برای توسعه صادرات فراهم خواهد کرد. در نظام اقتصاد مقاومتی صادرات به عنوان یک موضوع راهبردی و با اهداف خاص صورت می‌گیرد. تأمین نیازهای ارزی کشور، تقویت جایگاه بین‌المللی و کمک به پیشرفت امت اسلامی از جمله اهداف راهبردی صادرات در اقتصاد مقاومتی هستند.

در نتیجه اجرای اقتصاد مقاومتی به تقویت اقتدار اقتصادی کشور و الهام‌بخشی بیشتر جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی منجر خواهد شد. اقتصادی ثروت‌آفرین و دانش‌بنیان با ساخت درونی مستحکم (رفاه بالای اهالی) و حداقل وابستگی خارجی به عنوان اقتصادی قدرتمند و الهام‌بخش شناخته می‌شود. چنین اقتصادی کمتر در معرض تهدیدات اقتصادی (از جمله تحریم یا سایر تکان‌ها) قرار خواهد داشت. اقتدار اقتصادی باعث شتابنده شدن ترویج ایدئولوژی اسلام ناب در جهان خواهد شد.

۴. بررسی بندهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مرتبط با رفاه اجتماعی از منظر قوانین

اصل کلی ایجاد رفاه اجتماعی و تحرک و پویایی در اقتصاد که یکی از اصول برداشت شده از اقتصاد مقاومتی است از لحاظ مفهومی دربرگیرنده بندهای ۲، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۵ و ۲۴ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است که در این بخش این بندها در پرتو قوانین موضوعه بررسی می‌شود که مهم‌ترین سند اقتصاد مقاومتی در ایران می‌باشند.

۴-۱. بند ۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

بند ۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی چنین است: «پشتتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه».

از باب ارتباط قوانین موضوعه با این بند، طبق مواد ۵ و ۱۲ قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات، به صندوق نوآوری و شکوفایی باید منابع مالی تخصیص داده شود و بین دستگاه‌های متولی در اجرای قانون هماهنگی صورت پذیرد. طبق الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل ایمنی زیستی، باید ایرادات آیین‌نامه اجرایی به منظور تسریع در اجرای قانون رفع شود. همچنین، قوانین و دستورالعمل‌های مکمل درخصوص کنترل واردات و برجسب‌گذاری محصولات ورودی به بازار صورت گیرد.

درخصوص سند ملی راهبردهای زیست فناوری، این سند بازنگری و بروزرسانی و شاخص‌های زیست فناوری آن بروزرسانی شود و اعتبارات برای توسعه زیست فناوری اختصاص داده شود و طبق ماده ۹ این سند، زیست بانک ذخیره‌ای ملی ایجاد شود و این موضوع از طریق تشکیل شبکه بانک‌های ژنی کشور مدیریت شود.

همچنین، طبق مواد ۴ و ۵ نقشه جامع علمی کشور، باید منابع برای کسب سه درصد از بازار جهانی مربوط به زیست فناوری تأمین شود و سند ملی زیست فناوری اصلاح و بروزرسانی شود. مطابق با مواد ۲۱ و ۲۳ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی، پذیرش دانشجوی باید متناسب با نیازسنجی وزارت جهاد کشاورزی صورت گیرد. درخصوص قانون مالیات‌های مستقیم، طبق مواد ۱۴۴ و ۱۴۸ این قانون باید سیاست‌های اعتبار مالیاتی با نرخ صفر به جای معافیت‌های قانونی مالیاتی برای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان جایگزین شود.

از باب برنامه ششم توسعه در راستای بند ۲ سیاست‌های کلی یعنی پشتتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری در مواد ۲، ۴، ۶۵، ۵۹، ۸۰، ۸۱ و ۸۲ برنامه ششم، ضمن تأکید بر توسعه و کاربست علم و فناوری به‌عنوان یکی از موضوعات خاص در طول پنج سال آتی، درباره جذب استادان و متخصصین برای آموزش و انتقال فن و فناوری (تکنولوژی)، ایجاد ظرفیت جذب، توسعه فناوری‌های اولویت‌دار نفت، گاز و پتروشیمی و انرژی‌های تجدیدپذیر و به‌کارگیری آنها در صنایع مرتبط و ارتقای فناوری‌های موجود و بومی‌سازی آنها و کاهش شدت مصرف انرژی، بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و

سرمایه‌ها و ارتقای سطح علمی و فنی صنعت هوایی کشور با رعایت اصل حمایت از صنایع داخلی دانش‌بنیان و انتقال فناوری پیشرفته به داخل و همچنین ایجاد اشتغال برای نیروهای تحصیل‌کرده، تنظیم رابطه متقابل تحصیل و اشتغال، گسترش همکاری و تعاملات فعال بین‌المللی و افزایش نقش مردم در مدیریت علمی و فناوری کشور، تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان در داخل کشور با مشارکت شرکت‌های خارجی صاحب صلاحیت و دارای دانش برای طراحی، مهندسی، ساخت، نصب تجهیزات و انتقال فناوری در حوزه‌های انرژی شامل بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز و تبدیل نیروگاهی و پرداخت تسهیلات لازم در این زمینه و تولید، توسعه و نشر علم و فناوری و تربیت دانشجو در سطح بین‌المللی و برقراری توازن و ارتقای کیفیت آموزش عالی و پژوهش و فناوری تکالیف مشخصی برای دولت تعیین و اختیارات لازم داده شده است. برخی قوانین حمایت‌کننده از فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان وجود دارند که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات

مصوب ۱۳۸۹؛

- آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها

و اختراعات مصوب؛

هرچند ظرفیت‌های قانونی خوبی برای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان وجود دارد، اما از یک طرف قوانین موجود نارسا و ناقص بوده و با اشکالات عمده‌ای در اجرا مواجه هستند و از طرف دیگر در برخی موارد خلأ قانونی وجود دارد. از جمله خلأهای موجود برای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و اقتصاد دانش‌بنیان و تجاری‌سازی ایده می‌توان به این موارد اشاره کرد: نبود نهاد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی واحد و منسجم، هدفمند نبودن حمایت‌های مالی به‌نحوی که رابطه منطقی بین میزان و نوع حمایت‌ها و مشوق‌های مالی دولت با نوآوری‌ها و تجاری‌سازی برقرار شود و این حمایت‌ها براساس نیازسنجی، ظرفیت‌سنجی و تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای تأمین نیازهای مبتنی بر نوآوری و فناوری صورت گیرد و نبود نیروهای متخصص در زمینه تجاری‌سازی و ارزش‌گذاری دانش فنی و ایده

ساماندهی نظام ملی نوآوری: نظام ملی نوآوری یک نظام مدیریت نوآوری فراسازمانی و در مقیاس کلان و کشوری است که به نقش مجموعه سازمان‌ها مانند دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی، پارک‌های فناوری، مراکز تحقیق و توسعه، مراکز صنعتی و غیره در فرایندهای نوآوری و رابطه تعاملی آنها در این خصوص می‌پردازد. نظام ملی نوآوری زیر نظام‌های متعددی مانند نظام ملی پژوهش، نظام ملی خلاقیت، نظام ملی مالکیت فکری، نظام ملی مدیریت فناوری و همچنین، نظام‌های محلی

یا منطقه‌ای نوآوری را شامل می‌شود. هرچند قوانین ملی نظیر قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری و قانون حمایت از شرکتهای دانش بنیان وجود دارند و از طرفی اسناد بالادستی مانند نقشه جامع علمی کشور وجود دارد، اما بی‌تردید ایجاد یک نظام ملی نوآوری مستلزم ایجاد یک رابطه سه‌جانبه بخش صنعت، حوزه علم و فناوری و نهادهای سیاست‌گذار است.

۴-۲. بند ۸ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

بند ۸ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی چنین است: «مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید». از باب ارتباط قوانین موضوعه، این بند با مواد ۲ و ۳ و ۴ قانون توزیع عادلانه آب و قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی و قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات، از لحاظ مفهومی مرتبط است که باید نظارت بر اجرای این قوانین توسط متولیان افزایش یابد.

از باب برنامه ششم توسعه در راستای بند ۸ یعنی مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید در بند الف ماده ۴۹ و بندهای ۲ و ۸ ماده ۵۷ برنامه ششم آمده است که قیمت آب و حامل‌های انرژی و سایر کالاها و خدمات یارانه‌ای را با رعایت ملاحظات اجتماعی و اقتصادی و حفظ مزیت نسبی و رقابتی برای صنایع و تولیدات، به تدریج تا پایان سال ۱۴۰۰ با توجه به مواد ۱، ۲ و ۳ قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ اصلاح شود و افزون‌بر آن، تکالیف و اختیارات لازم به دولت برای جایگزینی محصولات کم‌بازده صنعتی و پرمصرف مانند خودروهای فرسوده و نوسازی و بازسازی صنایع را به‌نحوی تعیین شده است که به کاهش مصرف و شدت انرژی و آلاینده‌گی و افزایش بازدهی و ارتقای کیفیت تولیدات داخلی و رقابت‌پذیری آنها منجر شود.

در ضمن سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۱۴ به تصویب مقام معظم رهبری رسیده است که ضمن تأکید بر اصلاح الگوی مصرف به لزوم تنظیم مبادلات تجاری با هدف تنظیم بازار داخلی و اولویت توانمندسازی نیروی کار در کلیه برنامه‌های حمایتی اشاره شده است.

در بند ۱ راهبردهای ملی ذیل راهبرد کلان ۱۲ از سند نقشه جامع علمی کشور نیز «توجه ویژه به توسعه نیاز محور علوم و فناوری‌های مهندسی برای تولید و جذب فناوری با توان رقابتی و ثروت آفرینی همراه با حفظ محیط زیست و الگوی صحیح مصرف و رعایت اخلاق حرفه‌ای» ذکر شده است.

۴-۳. بند ۱۰ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

بند ۱۰ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی چنین است: «حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق:

- تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم؛
- گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز؛
- تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات؛
- برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید، و تنوع‌بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به‌ویژه با کشورهای منطقه؛
- استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز؛
- ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف».

از باب ارتباط قوانین موضوعه با این بند، طبق ماده ۸ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ متولی قانونی و نظارت بر اجرای حکم قانونی باید تعیین شود. مشوق‌های متعددی در زمینه صادرات کالاها و خدمات در قوانین مختلف از جمله قانون مالیات بر ارزش افزوده و قوانین برنامه مبنی بر معافیت صادرات از مالیات و نیز مشوق‌هایی نظیر جوایز صادراتی پیش‌بینی شده است. براساس ماده ۱۹ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم دولت موظف است:

۱. برای هدایت بازار به بهره‌گیری از توان تولید و خدمات داخلی و حمایت از صادرات، با استفاده از ظرفیت صنعت بیمه کشور به طراحی و استقرار نظام بیمه حمایتی مصرف‌کنندگان تولیدات و خدمات داخلی اقدام کند.

۲. مشوق‌های صادراتی کالاها و خدمات را به‌نحوی طراحی کند که به افزایش تولید صادرات‌گرا منجر شود. اولویت استفاده از این مشوق‌ها با آن دسته از تولیدکنندگانی در سرزمین اصلی یا مناطق آزاد می‌باشد که به تشخیص وزارت صنعت، معدن و تجارت تولیدات و خدمات آنها از مزیت برخوردارند. مطابق ماده ۱۹ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات، بر رفع موانع ثبات اقتصادی، به‌جای توجه به وضع مشوق‌های صادراتی، باید تأکید و تمرکز صورت پذیرد.

براساس ماده ۱۱ و ۱۲ و ۲۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار باید نظارت کافی بر حسن اجرای قانون شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی صورت پذیرد. طبق مواد ۲۰ و ۳۲ قانون

افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی، باید از سیاست‌هایی مانند شفاف‌سازی، مقررات‌زدایی و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی به‌جای سیاست یارانه صادراتی استفاده شود؛ زیرا به علت کسری بودجه دولت و امکان بروز فساد، امکان تداوم در بلندمدت را ندارد.

همچنین طبق ماده ۲ قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی، باید از وضع تکالیفی که بار مالی برای دولت ایجاد می‌کنند پرهیز شود. در ضمن طبق ماده ۱۹ قانون نظام جامع دامپروری کشور، شرایط حضور تولیدکنندگان داخلی در بازارهای جهانی از طریق ایجاد ثبات در رویه‌های قانونی مربوطه باید تسهیل شود.

از باب برنامه ششم توسعه در راستای بند ۱۰ یعنی حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزش‌آوری مثبت در ماده ۳ (ردیف ۶ جدول شماره ۱)، ماده ۴ (بند ۵)، ماده ۱۴ و ماده ۵۷ (بند ۹) هدف‌گذاری‌های لازم برای رشد سالانه صادرات غیرنفتی کالاها و خدمات (بدون میعانات گازی) به ۲۱/۷ درصد انجام شده است. همچنین، بر ایجاد و انعقاد پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه و پیمان‌های پولی دوجانبه با کشورهای طرف تجاری و هدف به‌ویژه کشورهای منطقه تأکید شده است. حمایت از صندوق ضمانت صادرات ایران، صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک، تحقیقات و توسعه صنایع الکترونیک، بیمه فعالیت‌های معدنی و صنایع دریایی در طی سال‌های اجرای قانون برنامه نیز در این راستاست.

۴-۴. بند ۱۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

بند ۱۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی چنین است: «توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به‌منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالاها و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج».

از باب ارتباط قوانین موضوعه با این بند، مطابق قانون اصلاح ماده ۱۳ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی جمهوری اسلامی ایران، فعالان اقتصادی مناطق باید به ارائه اظهارنامه مالیاتی که موجب عدم اجرای معافیت قانونی در برخی مناطق شده است، تکلیف شوند. همچنین گفتنی است معافیت کامل بدون توجه به ارزش افزوده حاصله به‌واسطه نوع فعالیت اقتصادی مانند فعالیت‌های صادرات‌محور می‌تواند موجب بروز انحرافات شود. ازاین‌رو، باید نسبت به این امر دقت لازم صورت پذیرد.

همچنین، طبق قانون اصلاح قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی جمهوری اسلامی ایران، در اخذ عوارض شهری و اختلاف میان سازمان‌های اداره‌کننده مناطق آزاد با

شوراهای اسلامی شهر باید هماهنگی صورت پذیرد. از باب برنامه ششم توسعه درباره بند ۱۱ یعنی توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور در ماده ۲۷ تصویب شده است که ایجاد هرگونه منطقه آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی جدید منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز است. همچنین، کلیه وظایف، اختیارات، ساختار و تشکیلات دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با حفظ شخصیت حقوقی مستقل و با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه به وزارت امور اقتصادی و دارایی منتقل شده است.

۴-۵. بند ۱۵ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

بند ۱۵ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی چنین است: «افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و افزایش صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع».

از باب ارتباط قوانین موضوعه، این بند با مواد ۴۴ تا ۴۷ قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و ماده ۸ قانون هدفمند کردن یارانه‌ها ارتباط دارد که نظارت بیشتر جهت اجرای صحیح این قانون را می‌طلبد. از باب برنامه ششم توسعه در راستای بند ۱۵ یعنی افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه و افزایش صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع در ماده ۵۵ و ماده ۵۹ بند هـ (موضوع افزایش ضریب بازیافت مخازن کشور) مقرر شده است که تسهیلات لازم برای ایجاد ظرفیت پالایش مقدار دو میلیون و هفتصد هزار بشکه در روز نفت خام و میعانات گازی با ضریب پیچیدگی بالا توسط بخش غیردولتی انجام شود و ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی کشور به ۱۰۰ میلیون تن افزایش یابد و موافقت اصولی برای ایجاد نیروگاه‌ها با بازدهی ۵۵ تا ۶۰ درصد صادر شود. همچنین، بر تهیه برنامه جامع صیانتی و ازدیاد برداشت از مخازن هیدروکربوری با رعایت اولویت‌بندی مخازن به تفکیک نواحی خشکی و مناطق دریایی تأکید شده است.

۴-۶. بند ۲۴ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

بند ۲۴ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی چنین است: «افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن».

از باب ارتباط قوانین موضوعه، این بند با مواد ۱ و ۲ قانون ارتقای کیفی تولید خودرو و سایر تولیدات صنعتی داخلی ارتباط دارد که نظارت بر اجرای قانون در صنعت خودرو باید بیشتر شود.

از باب برنامه ششم توسعه در راستای بند ۲۴ یعنی افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن در ماده ۶۸ به وزارت صنعت، معدن و تجارت و نیز سازمان استاندارد مأموریت داده شده است تا بر کیفیت ایمنی خودروهای داخلی نظارت کرده و آنها را به نحوی ارتقا دهد که تلفات جاده‌ای به حداقل میانگین جهانی برسد.

در برنامه هفتم توسعه نیز ماده ۳۲ آن در این باره اظهار داشته است: در اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و بندهای ۶ و ۱۱ سیاست‌های کلی برنامه پنجساله هفتم و به منظور تأمین امنیت غذایی پایدار و غذای سالم و با کیفیت برای آحاد جامعه، پایداری مناطق روستایی و عشایری و توزیع متعادل جمعیت بین مناطق روستایی و شهری و تحقق اهداف کمی زیر مطابق با احکام این فصل اقدام می‌شود:

جدول ۱: سنجه عملکردی امنیت غذایی و ارتقای تولید محصولات کشاورزی

سنجه عملکردی	واحد متعارف	هدف کمی
متوسط وزنی ضریب خودکفایی محصولات اساسی کشاورزی (گندم-جو-برنج، حبوبات-گوشت قرمز و سفید و شکر)	درصد (در پایان برنامه)	۹۰
متوسط وزنی ضریب خودکفایی محصولات اساسی کشاورزی (ذرت و دانه‌های روغنی)	درصد (در پایان برنامه)	۴۰
افزایش بهره‌وری در واحد سطح	درصد (در پایان برنامه)	۵۰
افزایش سهم ارزش افزوده فراوری محصولات کشاورزی از ارزش افزوده بخش کشاورزی	درصد (سالانه)	۱۵
کاهش سهم هر یک از محصولات دارای آلاینده‌های غیرمجاز از محصولات پرمصرف	درصد (سالانه)	۱۰
کاهش واردات نهاده‌های دامی تراریخته	درصد (سالانه)	۵ (انتهای برنامه، کاهش واردات به ۲۵ درصد می‌رسد)
سهم جوجه سویه آرین از سویه‌های موجود برای جوجه‌ریزی مرغ گوشتی	درصد	(افزایش سالانه حداقل ۴ درصد، در پایان برنامه حداقل ۲۰ درصد)
سهم بازار داخلی مرغ سبزی (مرغ سلامت‌محور)	درصد	(افزایش سالانه حداقل ۱۰ درصد در پایان برنامه حداقل ۵۰ درصد)
حجم تولید و صید محصولات شیلاتی	میلیون تن (در پایان برنامه)	۱/۸
سهم بذور دورگه (هیبریدی) تولید داخل	درصد (در پایان برنامه)	حداقل ۵۰ (افزایش سالانه حداقل ۱۰ درصد)
سهم واکسن طیور تولید داخل	درصد (در پایان برنامه)	حداقل ۷۰ (افزایش سالانه حداقل ۱۰ درصد)
تولید محصولات گلخانه‌ای	میلیون تن (در پایان برنامه)	حداقل ۱۰

هدف کمی	واحد متعارف	سنجه عملکردی
حداقل ۲	درصد (در پایان برنامه)	سهم سطح زیر کشت محصولات زیستی (ارگانیک)
۲	میلیون هکتار (در پایان برنامه)	توسعه کشاورزی فراسرزمینی
حداقل ۲۰	درصد (در پایان برنامه)	سهم کشاورزی قراردادی از تولیدات کشاورزی کشور
۱۰۰	هزار هکتار (سالانه)	تهیه نقشه‌های مدیریت‌پذیر و درجه‌بندی و ارزیابی تناسب اراضی کشاورزی
حداقل ۲۰	درصد (در پایان برنامه)	کاهش فرسایش خاک
۷۰	هزار هکتار (سالانه)	توسعه و ایجاد شبکه‌های آبیاری و زهکشی درجه ۳ و ۴ در پایاب سدها و احداث آبراهه (کانال)‌های عمومی و انتقال آب کشاورزی با لوله
۲۰۰	هزار هکتار (سالانه)	استقرار سامانه‌های نوین آبیاری (تحت فشار) در اراضی کشاورزی
۱۵۰	هزار هکتار (سالانه)	استقرار سامانه‌های نوین آبیاری زیرسطحی هوشمند با کاهش مصرف آب کشاورزی تا ۵۰ درصد و بهره‌وری تولید ۱/۵ برابر
حداقل ۵ درصد سالانه، در انتهای برنامه حداقل ۲۵ درصد	درصد (سالانه)	افزایش و تقویت ایستگاه‌ها و سامانه‌های هواشناسی کشاورزی
۶۰	هزار هکتار (سالانه)	تجهیز و نوسازی و زهکشی اراضی
۳	هزار کیلومتر (سالانه)	احیا، مرمت و بازسازی و لایروبی قنوات
۲۵	هزار کیلومتر (در پایان برنامه)	احداث جاده‌های دسترسی و بین مزارع
۲۰	میلیون هکتار (در پایان برنامه)	اجرای عملیات آبخیزداری و آبخوانداری
۲۰	درصد (در پایان برنامه)	کاهش سطح کانون‌های بحرانی فرسایش بادی
۲۰	میلیون هکتار (در پایان برنامه)	مدیریت، حفظ، احیا و توسعه مراتع کشور
۲۰	درصد (در پایان برنامه)	افزایش ضریب پوشش حفاظت از جنگل‌ها و مراتع
۲۰	هزار هکتار (سالانه)	افزایش سطح زیر کشت زیتون

۵. نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران در چند دهه اخیر با مشکلات، مصائب و کارشکنی‌های زیادی ازسوی معاندان و مخالفان خود روبه‌رو بوده است و در هر يك از چالش‌های پیش رو، تدابیری برای مدیریت و رفع تهدیدات اندیشیده شده است که زمینه‌های استحکام ساخت درونی قدرت ملی ایران را فراهم آورده است. یکی از چالش‌های مهمی که در دو دهه اخیر برای جامعه ایرانی مطرح بوده، مسئله اقتصاد بوده است که در دو سطح داخلی و خارجی قابل‌رؤیت است.

ازاین‌رو، جهت نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی و پیاده شدن کامل سیاست‌های آن، نگاه قانون‌گذار به مقوله قانون‌گذاری باید اصلاح شود. قانون‌گذار باید قانون را به‌گونه‌ای طراحی کند و سامان دهد که حرکت عاملان اقتصادی (مردم، دولت، بخش خصوصی و...) در آن چهارچوب، مبتنی بر انگیزه‌های فردی و صنفی خود، حرکتی باشد که مطلوب سیاست‌گذار و در راستای اهداف و سیاست‌های کلی ازپیش تعیین‌شده باشد و شرایط و زمینه‌های فعالیت مطلوب را فراهم کند، نه آنکه صرفاً خروجی‌ها و اهداف مطلوب را مورد تأکید و تکرار قرار دهد. دقت در بسیاری از احکام قانونی که به‌ویژه در سال‌های اخیر به تصویب رسیده‌اند نشان می‌دهد قانون‌گذار در بسیاری از موارد، صرفاً به بیان خواسته‌های خود از دستگاه‌های مختلف پرداخته است، و از طراحی نظامات اقتصادی به صورت پیش‌گفته غافل بوده است.

همچنین، برخی قوانین در راستای تحقق سیاست‌های کلی باید اصلاح شوند. برخی از قوانین موجود، به‌دلیل ابهام یا تعارض، مانع کارکرد صحیح نظام قانونی در جهت تحقق اهداف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی هستند. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در واقع، نوعی برآیند و جمع‌بندی کلان از همه سیاست‌های کلی است که در عرصه اقتصاد و موضوعات نزدیک به اقتصاد ابلاغ شده است و این نشان‌دهنده این است که قوانین این حوزه به‌خوبی اجرا نشده‌اند.

به‌دیگرسخن، از آنجایی که مجلس شورای اسلامی دارای دو شأن تقنین و نظارت است، باید در حوزه تقنین، نظام قانونی کشور را پالایش نموده و آن را منسجم نماید و با نظارت کامل، زمینه اجرای درست قوانین را ایجاد نماید تا از پراکندگی قوانین و اجرای ناقص آنها جلوگیری به عمل آید. کارایی بازار و نظام اقتصادی، افزایش رفاه به‌ویژه رفاه مصرف‌کنندگان، حمایت از بنگاه‌ها و صنایع کوچک، جلوگیری از سوء استفاده در بازار که به افزایش نقش مردم در اقتصاد منجر می‌شود، حمایت از کارگران و اشتغال‌زایی و نوآوری و... از جمله مهم‌ترین اهداف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌باشد. ازسوی دیگر، اجرای درست و دقیق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، در تحقق و دستیابی به رفاه اجتماعی بسیار مؤثر است.

ازدیگرسو، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم در اصولی مانند اصل ۴۳ و ۴۴، با تأکید بر سیستم اقتصادی کشور، رفاه اجتماعی را محترم شمرده است که در جای خود بسیار اهمیت دارد. بنابراین، در پاسخ به پرسش ابتدایی بحث خود می‌توانیم بگوییم که اقتصاد مقاومتی با اعمال اصول و قواعد خود، بهبود کسب‌وکار را در بازار ایجاد می‌کند که این باعث تحقق هدف رشد بهره‌وری و پویایی بازار و نظام اقتصادی کشور شده، با حمایت از صنایع کوچک آنها را برای رقابت با بنگاه‌های بزرگ توانا می‌کند که این امر افزون‌براینکه باعث تحرک و پویایی بازار می‌شود، اشتغال‌زایی را نیز به دنبال دارد که در مجموع باعث تحقق رفاه اجتماعی است. بنابراین، فرضیه ابتدایی تحقیق ما کاملاً درست بوده و اقتصاد مقاومتی و سایر قوانین موضوعه به‌ویژه قانون اساسی، نقشی تعیین‌کننده در دستیابی و تحقق رفاه اجتماعی دارند.

در پایان با توجه به اهمیتی که اقتصاد مقاومتی در تحقق رفاه اجتماعی دارد، امیدواریم که سیاست‌گذاران و ارکان تصمیم‌گیرنده در کشور ما، ضمن بازنگری و بررسی محدود قوانین و مقررات موجود، توجه بیشتری به حوزه اقتصاد مقاومتی داشته و با وضع قوانین و مقررات مناسب‌تر و کامل‌تری زمینه اجرای درست و دقیق آن را در راستای دستیابی به رفاه اجتماعی در کشور فراهم کنند.

منابع

۱. اختری، عباسعلی. (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی (زمینه‌ها و راهکارها)، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲. انصاری، مجید. (۱۳۵۸). جایگاه سیاست‌های کلی در نظام قانونگذاری ایران، مجموعه مقالات همایش یکصدمین سال قانونگذاری، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
۳. بهادری جهرمی، علی و علی فتاحی زفرقندی. (۱۳۹۵). الزامات حقوقی تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، تهران: پژوهش‌های.
۴. بهرامی، کامیل؛ فدایی، احسان و مجتبی راعی. (۱۳۹۶). تجربه اقتصاد مقاومتی در جهان و ایران، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۵. پروین، خیرالله؛ سعیدی پلمی، مرتضی و حسین مبینی بیدگلی. (۱۳۹۶). «حقوق رقابت و نقش آن در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در ایران»، دومین همایش بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی.
۶. تاری، فتح‌الله؛ سیدشکری، خشایار و زهرا کاویانی. (۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن، تهران: دفتر مطالعات اقتصادی (گروه بازرگانی) مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۷. زارعی، محمدحسین. (۱۳۸۳). «نظام قانونگذاری در ایران (با تأملی بر جایگاه سیاست‌های کلی نظام)»، مجله راهبرد، ۱۲(۴): ۳-۳۴.
۸. زاهدی اصل، محمد. (۱۳۸۱). مبانی رفاه اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۹. زاهدی اصل، محمدرضا. (۱۳۷۳). مفاهیم رفاه اجتماعی و تأمین اجتماعی (مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه)، تهران: سمت.
۱۰. ژیل، دلوز؛ نگری، آنتونو و مایکل هاهارت. (۱۳۹۱). بازگشت به آینده، تهران: نشر نی.
۱۱. عامری، فیصل. (۱۳۸۹). «حقوق رقابت و توسعه»، فصلنامه حقوق و سیاست، ۱۲(۳۰): ۱۱۷-۱۵۲.
۱۲. عبدالملکی، حجت‌الله. (۱۳۹۳). اقتصاد مقاومتی، چاپ چهارم، تهران: بسیج دانشگاه امام صادق (ع).
۱۳. عمیدزنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۵). حقوق اساسی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. غلامی، علی و علی بهادری جهرمی. (۱۳۹۲). «مفهوم، ماهیت و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام»، مجله دانش حقوق عمومی، ۲(۳): ۵۱-۷۲.
۱۵. قاسمی، محمد. (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی، سومین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی، تهران:

دانشگاه علم و صنعت.

۱۶. قوامی، سیدحسین. (۱۳۹۱). سیاست‌ها و راهکارها، تهران: پژوهشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۷. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۸). گامی به سوی عدالت، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

۱۸. محقق کرکی. (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌البیت.

۱۹. مدنی، سیدجلال‌الدین. (۱۳۸۹). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات پایدار.

۲۰. منظور، داود و مهدی یادی‌پور. (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی، توسعه اجتماعی و اقتصادی»، راهبرد، ۱۵، ۱۴۰-۱۶۲.

۲۱. موسی‌زاده، ابراهیم. (۱۳۹۳). جستارهایی در حقوق عمومی، تهران: انتشارات خرسندی.

۲۲. مولر، پیر. (۱۳۷۸). سیاست‌گذاری عمومی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. تهران: انتشارات دادگستر.

۲۳. مهرپور، حسین. (۱۳۷۴). دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، تهران: انتشارات اطلاعات.

۲۴. مهرپور، حسین. (۱۳۸۰). «کندوکاوی در جایگاه سیاست‌های کلی نظام»، فصلنامه راهبرد، تابستان ۱۳۸۰ (۲۰): ۳۷۵-۴۰۵.

۲۵. مؤمنی، حانیه‌سادات. (۱۳۹۶). اقتصاد مقاومتی در کشورهای پیشرفته، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

۲۶. الوانی، سیدمهدی. (۱۳۸۰). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، چاپ نهم، تهران: سمت.

۲۷. هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۸۰). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: نشر میزان.